

سهم محمد تقی میر در ادبیات فارسی شبه قاره

محمد سفیر*

چکیده:

محمد تقی میر شاعر بزرگ دو زبانه فارسی و اردو به سال ۱۷۲۳ م در شهر آگره هند به دنیا آمد. وی در ادبیات فارسی و اردو در شبه قاره جایگاه والایی دارد. منتقدان و شاعران بعدی لقب "خدای سخن" را به او اعطا کرده اند او به سبک هندی شعر می سرود و شاعری بی نظیر در زمان خود بود. میر از جمله شاعران عصر گورکانی است و تمام ویژگی های شاعران این عصر در اشعارش دیده می شود وی مانند سعدی و حافظ دریافته های عاطفی و احساسی خویش را در نهایت فصاحت و بلاغت به نظم کشیده است و در اختیار مخاطب قرار داده است. شعرای پاک و هند امین شعر و ادبیات فارسی در سرزمین پاک و هند شبه قاره هستند و ایشان چراغ شعر فارسی را در این سرزمین روشن نگه داشته اند. محمد تقی میر نیز مانند شعرای دیگر فارسی گویان خدمات شایانی به این زبان کرده است و آثار گران بهای به ادبیات فارسی بخشیده است. محمد تقی میر نیز با اصطلاحات تازه در نثر و نظم هنر آفرینی کرده است.

واژه های کلیدی: میر تقی میر، ادبیات فارسی، سبک هندی، شبه قاره، مغول پیشینه زبان

فارسی در شبه قاره

*عضو هیات علمی گروه زبان ادبیات فارسی، دانشگاه نومل، اسلام آباد.

پس از ظهور اسلام، ایران در سال ۲۱ هجری به دست فاتحان عرب گشوده شد. در سال ۲۳ هجری ناحیه مکران که به مرزهای هندوستان متصل بود، به سلطه فاتحان اسلام افتاد و از این منطقه بود که آیین اسلام به هند نفوذ کرد. (نوایی، ۱۳۶۶: ۴۷۸) محمد بن قاسم اولین فرمانده اسلام بود که در سال (همان ۹۲) به سند حمله کرد و با ورود مسلمانان در این سرزمین، زبان و اندیشه ایرانی هم به شبه قاره راه یافت. زیرا بیشتر سپاهیان محمد بن قاسم ایرانی بودند که وی خود شصت هزار ایرانی را در لشکر خود جا داده بود. (سبحانی، ۱۳۹۰: ۳)

محمد غزنوی در سال ۳۹۶ هجری/ ۱۰۰۵ م به ملتان حمله کرد و در سال ۴۰۱ هجری ملتان را به تصرف خود درآورد و شهر لاهور را پایتخت خود که در نتیجه آن این شهر مرکز زبان و ادبیات فارسی گردید. خانواده های ایرانی در لاهور مدارس تاسیس کردند و به ترویج زبان فارسی خدمات شایانی انجام دادند. نویسندگان مانند علی هجویری و شاعران قدرتمند مسعود سعد سلمان لاهور را از مشعل عرفان و دانش منور ساختند. (اکرام، ص ۱۹۹۹: ۳۲۵-۲۶).

مشعل فرهنگ و ادب فارسی که اخلاف محمود غزنوی در لاهور غزنوی در لاهور روشن کرده بودند در سال ۵۸۲ هجری به دست غوریان افتاد که آن را به دهلی بردند و سال ۶۰۲ هجری به دست سلاطین دهلی سپردند که تا ظهور تیموریان در سحنه سیاست هند (همان، ۹۳۲) آن را نه تنها در دست خود نگه داشتند بلکه با نور آن سراسر شبه قاره را منور ساختند. (آفتاب اصغر ۱۳۶۴: ۵)

ظهیرالدین بابر مؤسس سلسله تیموری از تربیت یافتگان مهد و فرهنگ و تمدن درخشان سلسله تیموریان و خود مردی دانشمند و شاعر بود. وی برای احیای سنن

و روایات درخشان ادب پروری و دانش دوستی نیاکان ایرانی خود زمینه مساعد تری فراهم آورد. (همان، ۲۱)

در این عهد شبه قاره هند و پاکستان مراکز مهم ادبیات فارسی درآمد و بزرگترین مرکز شاعران فارسی به شمار می رفت. طبق محمد تقی بهار، زبان فارسی در هند بیشتر از اصفهان رونق گرفت و فارسی در شبه قاره زبان علمی، ادبی و فرهنگی محسوب می شد و در دربار اصفهان هرگز زبان فارسی این اهمیت را پیدا نکرد» (بهار، ۱۳۳۸: ۲۵۷)

در زمان اکبر فرهنگ ایرانی تأثیر عمیقی در این سرزمین گذاشته که در نتیجه آن یاد گرفتن فارسی در سراسر کشور اجباری شد. در دوران سلطنت جهانگیر و شاهجهان و اورنگ زیب زبان و ادب فارسی پیشرفت شایانی کرد و کتاب های متعدد در رشته های گوناگون نوشته شد. مثلاً مآثر رحیمی، ترك جهانگیری، اقبال نامه، منتخب التواریخ، مرآت الاولیا، بهار سخن، عالمگیرنامه، مرآت العالم، کلمات الشعرا، رقعات عالمگیری، چهار عنصر و غیره. در زمان صفویه بسیاری از شاعران ایرانی از قبیل: طالب آملی، قدسی مشهدی، طلالی خوانساری، صایب تبریزی، کلیم کاشانی، عرفی شیرازی، نظیری نیشابوری، به این سرزمین روی آوردند و در عرصه جهان ادبیات فارسی يك سبك جدید به نام سبك هندی به وجود آمد.

میر تقی میر و شعرای پاک و هند امین شعر و ادبیات فارسی در سرزمین هستند و ایشان چراغ شعر فارسی را در این سرزمین روشن نگه داشته اند. محمد تقی میر نیز مانند شعرای دیگر فارسی گویند خدمات شایانی به این زبان کرده است و آثار گران بهای به ادبیات فارسی بخشیده است. محمد تقی میر نیز با اصطلاحات

تازه در نثر و نظم هنر آفرینی کرده است.

اسم کامل وی محمد میر تقی میر است. وی در سال ۱۷۲۳م در آگرا به دنیا آمد. پدرش محمد علی نام داشت اما در بین مردم به علی متقی شهرت داشت. میر تحصیلات مقدماتی خود را نزد دوست پدرش سید امان الله فرا گرفت، اما در نه سالگی میر سید امان الله درگذشت. پس از وفات استاد پدرش تحصیلات وی را به عهده گرفت اما چند ماه بعد او نیز درگذشت. بعد از درگذشت پدرش میر زندگی آشفته ای نداشت در و بر خود بسیار رنج و زجر روزگار را بر خود تحمل کرد.

پس از زجر و سختی های زندگی وی به لکهنو رسید و مردم لکهنو از اشعارش استقبال کردند. اصف الدوله وی را اکرام می کرد. پس از درگذشت دختر و همسرش وی نیز در همانجا در سال ۱۸۱۰ چشم از جهان بست. او شاهد انقراض دولت کورکانی هند است. میر عهد پادشاه محمد رنگیلا تا اکبر ثانی مغول را از نزدیک مشاهده کرد. او در سال ۱۷۳۹م حمله احمد شاه ابدالی و بعد از آن تسلیم شدن پادشاهان مغول هند در برابر کمپانی هند را دید. در زندگی شخصی عشق سرمایه اصلی وی است. او تملق نمی کرد به همین خاطر زندگی آسوده ای نداشت.

سبك و آثار محمد تقی میر:

محمد تقی میر یکی از سرآمدان شعر غنایی فارسی و اردو است. دیوان فارسی میر شامل غزل، رباعی، مثنوی می باشد علاوه از این او در زمینه نثر نیز چندان مهارتی نشان داده است و از خود آثار کاندگاری به جا گذاشته است. کتاب نثر وی دیای عشق، فیض میر، نکات الشعرا نیز شایسته ذکر می باشند وی درباره هنر و

شیرینی شعر خود می گوید:

گذشت نوبت قدسی و صائب و طغرا

درین زبان همه دیوان میر می خوانند

(میر، ۲۰۱۳: ۱۸۸)

محمد تقی میر در اشعار فارسی و اردو خود «میر» تخلص می کرده است و خود شاعر در مقطع اغلب غزلیات و در ضمن بعضی از اشعار دیگر این تخلص را به کار برده است:

بیا ای میر در راه محبت خود را گم کن

اگر خواهی در بابی نشان بی نشان را

شور تو عندلیب، جگر چاک می کند

آموختی ز میر مگر طرز ناله را

محمد تقی میر شاعر سبک هندی است و شاعران معاصران وی سودا، درد، جان جانان هم مانند میر به هر دو زبان اردو و فارسی شعر می سرودند. سبک هندی سومین سبک فارسی است.

درباره چگونگی پیدایش سبک هندی به دیدگاه های متفاوتی بر می خوریم. شفیع کدکنی رد پای این سبک را در شعر خاقانی و انوری جستجو کرده است، هر چند او شعر بابا فغانی را نیز در پیدایش این سبک نادیده نمی گیرد. (شفیعی، ۱۳۷۶: ۱۶) موتمن می گوید: «پیشینه و آغاز سبک هندی را از اوایل قرن هشتم شروع شد. در این قرن رفته تغییری در اسلوب سخن پردازی و طرز افکار روی نمود، شعر سادگی خود را از دست داد و توجه خاصی به بعضی صنایع بدیعی به خصوص

استعاره و تشبیه پیدا شد، خیال بافی و مضمون تراشی که از خواص مردم هند است ذهن مردم را به خود متوجه ساخت، این تحول در هند از اوایل قرن هشتم توسط امیر خسرو و در ایران از اواسط همین قرن به وسیله حافظ در شعر فارسی آغاز گردید. بنابراین باید گفت نخستین سنگ بنای سبک هندی در هندوستان و ایران به دست این دو نفر استوار شد. صائب بزرگترین استاد سبک هندی در شعر زیر به قرابت سبک خود و حافظ اشاره می کند:

به فکر صائب از آن می کنند رغبت خلق
که یاد می دهد از طرز حافظ شیراز»

(مؤتمن، زین العابدین، ۱۳۵۲:۳۵۳)

زیرین کوب در پیدایش سبک هندی را به بابا فغانی نسبت می دهد. (زیرین کوب، ۱۳۶۷:۱۰۰) شبلی نعمانی همین دیدگاه را مورد تأیید قرار می دهد، هر چند نقش شعر عرفی شیرازی، نظیری نیشابوری، و مشرف قزوینی را در پیدایش سبک هندی نادیده نمی گیرد. (نعمانی، ۳، ۱۳۶۳:۲۳) و سرانجام، حسن زاده بر این اعتقاد است که سبک هندی با شعر بابا فغانی آغاز می شود و با عرفی نظیری به پیش می رود و در شعر صائب اوج می رسد و در قرن ۱۸ میلادی با سروده های حزین لاهیجی به پایان می -رسد. (حسن زاده، ۱۳۷۹:۹)

محمد تقی میر از دیدگاه منتقدان:

مصحفی در مورد شعر فارسی میر نوشته است:

"او از ابتدا در هنر ریخته (اردو) شهرت یافت، بنابراین بر شعر فارسی خود چندان افتخار نمی کند، هر چند که شعر فارسی او کمتر از ریخته نیست. میر مدت دو سال

شعر ریخته نگفت و در این مدت دیوانی حاوی حدود دوهزار شعر فارسی را به وجود آورد. "(افضال، مقدمه دیوان میر: ۲۰۱۳)

مظفر علی سید شعر فارسی میر تقی میر را از عصر خودش تا بیدل (۱۶۴۴م تا ۱۷۲۰م) و غالب (۱۷۹۷م تا ۱۸۶۹م) یکی از بهترین شاعر می شمارد. (میردیوان فارسی مع اردو ترجمه مقدمه)

محمود حسن قیصر می گوید: میر مانند شعر اردو در فارسی نیر در تمام قالب های شعری طبع آزمایی کرده است. اما مضامین های و شعرهای که به زبان فارسی سروده است نظیر آن در شعر اردو وی وجود ندارد. (ثاقب، ۲۰۲۱: ۱۸۷)

این نینداری که مردن موجب راحت است

مرگ هم يك منزل است از راه بی پایان ما

نشمری سهل ز غیب این به شهود

ره بسی طی شده باشد به وجود آمده را

اشك گرمم همه درد است خدا را دریاب

از ره دور دل این قاصد زود آمده را

وعده دور قیامت هم پی تکمیل ماست

ذوق تا حاصل نگردد لذت دیدار نیست

باوجود اینکه میر به سبک هندی شعر سروده اما گاه گاهی شعری از نظر

سلاست زبان رنگ و بوی شعر سعدی و حافظ را می دهد. میر شعر عاشقانه سروده

اما عشق مجازی وی نیز از شهوت جسمانی پاک است و معشوق او سرچشمه جمال

نور و مانند نور شفاف است. میر مانند سعدی با حرمت و احترام محبوب خود را قائل است. موضوعات مشترك دیگر سعدی و میر از جمله: عشق، فراق، وصال، جفا و جور و ستم، زلف، رخسار، عشو، ناز و ادا، هستی و نیستی، پند و اندرز می باشد. سعدی درباره جفای یار می گوید:

یار ما بیوفایی می کند
بی گناه از ما جدایی می کند

(سعدی، ۱۳۶۴: ۱۸۶)

میر راجع به جور و جفا و بی وفایی محبوب چنین می سراید:

۱- دلبران جز جفا نمی دانید

راه و رسم وفا نمی دانید

۲- با هنوز بی مزگی هاست یار را

بی وجه رنجشی است همان آن نگار را

۳- به امید وصلش آن کس به جان رسیده باشد

چه ستم کشیده باشد، چه عذاب دیده باشد

ز سلوک آن جفا چو من امید آن ندارم

که بمیرم و به حسرت لب خود گزیده باشد

نه عنایتی، تی لطفی، نی ترحمی، نه مهری

به کدام امیدواری دلم ارمیده باشد (میر ۱۶۴)

می گفتمش که درد تو درمان نیست

دیدم که میر آخر از آن درد درگذشت (همان ۸۲)

بیشتر شعر میر درباره عشق مجازی است اما عرفا عشق مجازی را اولین زینه عشق حقیقی می‌شمارند. سفر عشق میر از مجاز به حقیقت است و ی مانند حافظ شیرازی شیرین سخن عشق را کار آسان نمی‌شمارد:

الایا ایها الساقی ادرکاسا و ناولها
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۸)

میر همین موضوع را چنین مطرح می‌کند:

ابتدای عشق را دیدم به چندین رنگ
آخر آخر گریه بی اختیار مانده است
برو که بهر محبت بلا کش باید
تو ناز پروری ای میر عشق کار تو نیست

(میر ۸۰)

میر تقی میر مانند حافظ صومعه، مدرسه و مسجد، ریای پارسایی راهدف طنز قرار گرفته است چون تعلیمات اخلاقی موقوف بر این است که شاعر نکته سنج فطرت انسانی بوده باشد. «طنز اگرچه بر خنده استوار است اما این خنده موجب تفکر و وسیله ای برای رسیدن به بالا تر یعنی آگاه کردن مردم از رواج ظلم و ستم و نیز بی اعتباری شدن فضایل اخلاقی و انسانی در جامعه است و طنزپرداز یا نویسنده سعی در به چالش کشیدن این او نابسامانی را دارد». (حلی، ۱۳۷۷: ۴) میر با سخره گرفتن جامعه و ناهنجاری های آن بر بی عدالتی، ظلم و ستم و فقر می تازید و رواج بی اخلاقی و رزایل و پلیدی انتقاد می کند.

شاعران زبان فارسی مانند رودکی، سنایی، انوری، سعدی، مولوی این موضوع را در شعر خود گنجانیده اند اما حافظ شیرازی با دلیری و آزادگی و بی باکی این وظیفه را انجام داده که از آغاز تا امروز نظیر آن دیده نشده.

واعظان کین جلوه بر محراب و منبر می کنند
چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند
مشکلی دارم ز دانشمند محفل باز پرس
توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند
گویا باور نمی دارند روز داوری
کین همه قلب و دغا در کار داور می کنند

میر:

شب شیخ دید گردش چشم پیاله را
برباد داد زاهدی دیر ساله را (میر: ۶)
هست بر ریش و فش مدار شیخ
شانه کاری ست روزگار شیخ
رفت در وجهه باده سجاده
رونق خوش خوش گرفت کار شیخ
(همان، ۱۱۲)

تا کی کسی ز دین کهن قصه بشنود
اقوال شیخ گوش مکن هرزه چانه است
(همان، ۱۰۰) _____

زبان شعر میر از کنایه و تشبیه و استعاره خالی نیست و صنایع تلمیح نیز مورد توجه قرار می گیرد زیرا در مضمون سازی که اساس این سبک است نقش فعالی دارد. میر نیز به صنعت تلمیح بیشتر توجه کرده است و تلمیح اساطیری، تاریخی، مذهبی و داستانی دارد و تمایل شاعر به تلمیحات داستانی بیشتر است. میر به زبان فارسی دست توانا داشت و در شعر موضوعات گوناگون مانند: عشق، فراق و وصل، جفا و جور و ستم، زلف و رخسار، عشوه و ناز، هستی و نیستی، پند و اندرز را به خوبی در شعر خود گنجانیده است.

کتاب شناسی و منابع:

- آفتاب اصغر (۱۳۶۴)، تاریخ نویسی در هند و پاکستان، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور.
- اکرام، محمد اکرم (۱۹۹۹)، اقبال و جهان فارسی، گروه اقبال دانشگاه پنجاب، لاهور.
- بهار، محمد تقی (۱۳۳۸)، سبک شناسی بهار، انتشارات امیر خسرو، تهران.
- ثاقب (۲۰۲۱)، شهاب الدین، محمد تقی میر کی فارسی خدمات (تحقیقی و تنقیدی جائزه)، اکادمی ادبیات پاکستان، اسلام آباد.
- حافظ (۱۳۶۲)، خواه شمش الدین محمد، به تصحیح پرویز ناقل خانلری، شرکت افست، تهران.
- حسن زاده (۱۳۷۹)، سبک هندی و شاعران برگزیده آن، انتشارات پیام یزد، یزد.
- حلبی (۱۳۷۷)، علی اصغر، تاریخ طنز و شوخ طبعی، تهران.
- زرین کوب (۱۳۶۷)، عبدالحسین، سیری در شعر فارسی، انتشارات نوین، تهران.

- سبحانی (۱۹۶۲)، توفیق، نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، چ، ۲، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران.
- سعدی (۱۳۶۴)، کلیاب سعدی، بامقدمه عباس اقبال، نشر محمد، تهران.
- شفیع کدکنی (۱۳۷۶)، محمد رضا، شاعر آینه ها، انتشارات آگاه، تهران.
- میر، محمد تقی (۲۰۱۳)، دیوان میر (فارسی)، ترجمه، افصال احمد سید، اکسفورد.
- مؤتمن، زین العابدین (۱۳۵۲)، تحول شعر فارسی، انتشارات طهوری، تهران.
- نعمانی، شبلی (۱۳۶۳)، شعر العجم یا تاریخ شعر و ادبیات در ایران، مترجم، محمد تقی فخر راعی گیلانی، انتشارات دنیای کتاب، تهران.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۶)، ایران و جهان، ص ۴۷۸، نشر هما، تهران.

صفحه، شماره ۲۰۲۲۰۲۰ میلادی ۳۱۱

